

آیین‌های سوگواری محرم در دوره قاجار از نگاه یک جهانگرد ایتالیایی

# دارالخلافه تهران؛ عزابه سال ۱۲۵۷



عزاداران زین‌زادین در تکیه‌دولت-عمکس، آرمونیوآرشیوهای تاریخ در عصر قاجار

زندگینامه‌ای مشروح و رسا از این بانوی ایتالیایی در دست نیست، هرچند به استناد گفته مترجم در دیباچه کتاب، کارلسرازا نویسندهٔ کان و جهانگردان مهم، سده نوزدهم میلادی بود و پیش از تالیف کتاب «آدم‌ها و آیین‌ها در ایران» سفرنامه‌هایی دیگر نیز به نام‌های «رنی تنها در میان استیجا»، «ژن پالتیک تا دریای خزر» و «یک زن اروپایی در ایران» نگاشته و منتشر کرده بود. سفرنامه‌وی از یک زاویه منحصربه‌فرد است؛ از آن‌رو که تعداد مسافران و سیاحان زن انگشت‌شمار در گذشته بوده است. زنائی دیگر همچون مادام دیولافوا و مری شیل، نه در جایگاه یک زن جهانگرد، که، به همراه همسران خود و به واسطه شغل آنان به ایران آمده‌اند در حالی که کارلسرازابه تنهایی جاده برهیجان جهانگردی در پیش گرفته‌وا.از این نظر، نیز برای نگاه زانامش، سفرنامه‌ای بی‌مانند نگاشته است. وی در سفر نخست ناصرالدین شاه به اروپا با شاه ایران آشنا شده، تمایل می‌یابد به ایران سفر کند. کارلسرازا پس از یک سال اقامت در ایران، در سال ۱۸۷۸ میلادی، اندکی پس از دومین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ، این سرزمین شرفی را ترک گفته است.

قرار می‌گیرد، تعدادی بسیار سقا، سسیو به دوش و کاسه به دست به یاد تشنه‌لبان خاندان علی (ع) میان مردم آب قسمت می‌کنند». کارلسرازا شگفت‌زده می‌شود که در میان این سقاها،نوجوانانی نیز از طبقات و خانواده‌های بزرگاندهستند. او در این‌باره توضیح می‌دهد ایرانیان انجام هر گونه عملی در تکیه را گونه‌ای فریضه دینی تلقی می‌کنند از این‌رو، بزرگان انجام‌ایبگونه کارها را عیب‌نمی‌شمرند.

**نواب‌بزرگ**

سیاح فرنگی پس از اظهار نظرهایی دربراره بهترین و مشهورترین تکیه در تهران، به بخش‌هایی از شهر نیز اشاره می‌کند که تکیه‌ای ندارند «در جایی که تکیه وجود ندارد، مراسم تزییه در میدان‌های عمومی در رواق مسجدها، در حیاط خانها و در هر جای وسیعی که برای چنین نمایش‌هایی که مردم از همه جا برای تماشايش هجوم می‌آورند، برگزار می‌شود. اغلب تکیه‌ها به قدری وسعت دارند که در آنها تشرها و اسبها و قاطرها که جزئی از لوازم ایبگونه نمایش‌های مذهبی هستند، بتوانند روی صحنه جولان دهند. گاهی برای این منظور از حیوانات کاروانی که بحسب تصادف از آن شهر می‌گذرد، استفاده می‌کنند. چون شرکت در این مراسم و کمک به هر گزار ی هر چه باشکوتر «تزییه» نواب بزرگی تلقی می‌شود، شهربانان و قاطرچی‌ها برای نیل به چنین فوز عظیم، با شتاب تمام بار حیوان‌ها را خالی می‌کنند و آنها را با وضع آبرومندی تزیین کرده و در اختیار تزییه‌گردان‌ها می‌گذارند. به دلیل مخلوط با هم در یک جا می‌شوند. متلازن فلان اعیان در کنار یک زن گدا، یا خاتم مشخصی پهلوی یک زن معمولی

رنگی از سوزگ بر پهنه ایران

**چاپینه‌خوان‌های عزادار**

نویسنده‌وبلاگ «ehtemam» روایتی جذاب و کوتاه از شیوه برگزاری عزاداری امام حسین (ع) در شهرهای گوناگون ایران در ویلاگ خود ارایه کرده است که ما را با آیین‌های گوناگون در سرزمین پهناور ایران آشنایی کند. بخشی از نوشته‌اوامی خوانیم «در ریچار مراسم عاشورا و تاسوعای حسینی، مراسمی کم‌نظیر است. با دیدن हाल محرم در آسمان بیجار، روزهای محرم، دسته‌های گوناگون در برام مسجدها برافراشته می‌شود. مردم در عاشورای حسینی، به یاد امام باقرنه هستند و آب نمی‌نوشند. همچنین ترکمن‌ها در روز تاسوعا و عاشورا در مساجد جمع می‌شوند و به نیازمندان غذای دهند و عزاداری می‌کنند. ترکمن‌های شمال خراسان در روزهای محرم، نان ویژه‌ای به نام قلمقه می‌پزند و در میان عزاداران امام حسین (ع) پخش می‌کنند. و نیز به خانواده‌هایی که در یک سال گذشته، عزیزانشان را از دست داده‌اند، سمری‌زندن، کرمانشاه‌ای شهر کهن که دروازه کربلاست و بیشتر مردمانش افتخار عنوان کربلایی دارند در ماه محرم حال و هوای غریبی دارد. از آیین‌های بسیار قدیمی ماه محرم در کرمانشاه تزییه‌خوانی است. علاقه فراوان مردم به تزییه‌خوانی و آگاهی یافتن از واقعه کربلا و همدردی با مصائب سیدالشهدا(ع) و اهل بیت با او از طریق بازی‌گویی و نمایش وقایع، هر سال تزییه‌خوانان را در برپایی هرچه با شکوتر این مجالس وامی‌دارد. تهیه انواع غذاها و شربت‌های نذری مانندخلیم،شله زرد، حلوا و شربت‌های مختلف و تقسیم آن در میان عزاداران از دیگر آیین‌های این شهر است. تهیه تلبوت خونینی که روی آن کبوتری گذاشته شده و پشت سر آن کودکان به منزله فرزندان امام حسین (ع) حرکت می‌کنند و فردی آنان را شلاق می‌زند تا به اسارت برسد، تهیه قنداق علی‌اصغر (ع)، حجله حضرت قاسم(ع) و قرار دادن خنجرهایی مانند عروس در آن، ساختن دست‌ابوالمفضل (ع) و پرتاب آن به هوایا برتحت تاثیر قرار دادن مردم از دیگر آیین‌های عزاداری مردم این شهر است. از ادوات و

**ساختمان صلات تکیه‌شاه**

بانوی جهانگرد اشاره به مشکلات و مصیبت‌های ساخت چنین تکیه‌ای بزرگ که بتواند کسانی بیش تر در خود جای دهد، تربینبات درون آن را وصف می‌کند «حوه تزیین و آرایش تکیه در اوقات برگزاری تزییه، در نوع خود تماشاچی است؛ از قالی‌ها، پارچه‌های منقش دیواری، منسوجات، گل‌های مصنوعی، آیینه‌ها، شمعمدان‌های چند شاخه و چلچراغ‌های زیباتر جلوه‌دادن آن استفاده می‌شود. دیوارها با نقاشی‌هایی به سبک عجیب و غریب و با رنگ‌های مختلف تزیین می‌گردد. در وسط تکیه نیز جایگاه بلندتری به نام سکو است و در آنجا رافرش‌هایی پوشانده‌اند که صحنه‌نمایش بوده‌و به بازگراها اختصاص دارد.» جایگاه‌هایی برای نشستن افرادی ویژه مانند شاه‌وزان حرمسرای تکیه نادرک دیده شده بود «مناشاجی‌ها در صحن تکیه، در قسمت در ورودی عمومی آن، روی زمین می‌نشینند. یک طرف تالار برای مردها و یک‌طرف دیگر آن برای زنان و تعداد زیادی هم‌چنین برای تماشا به آنجا می‌آیند». کارلسرازا در جایی دیگر از سفرنامه درباره اهمیت این جایگاه‌ها می‌نویسد «گاهی آن عده‌ای دعوت‌به‌عمل می‌آورند و مدعویین در جایگاه‌های خاصی قرار می‌گیرند. اگر تکیه جایگاه‌های نداشته باشند، در جاهایی که با فرش‌های گران‌قیمت مفروش شده یا در کنار پنجراه‌های بیرونی که به حیاط بازی می‌شوند به مدعویان جای می‌دهند. زنان جای مخصوصی دارند ولی با هر طبقه که باشند به طور مخلوط با هم در یک جا می‌نشینند. متلازن فلان اعیان در کنار یک زن گدا، یا خاتم مشخصی پهلوی یک زن معمولی

دیگر فقط برای چندصد نفر ظرفیت دارند. در بسیاری از آنها شب و روز مراسم دایر است. برای حاضران چایی و قهوه می‌دهند و میان مستمندان برنج و لواش قسمت می‌کنند». روضه‌خوانی در زمره برنامه‌های تکیه‌های قاجاری بوده است. کارلسرازا روایت می‌کند در تکیه‌های گوناگون افزون بر گروه تزییه‌خوان، این روضه‌خوانان حضوری جدی داشته‌اند «عمداد زبادی «سبیده» و «روضه‌خوان» بسیاری خواندن روضه‌های مناسب روز به تکیه دعوت می‌شوند. آنان سخت مورد علاقه و تکریم مردم هستند. مهارت و نفوذ پیاشان مانند بازیگران هنرمند نمایش‌نامه‌های غم‌انگیز، اشک‌ از چشم حاضران جاری می‌کند»

**شیبوره‌های اعلام‌کننده**

سیاح ایتالیایی پس از آن که شیوه چیدمان بزرگان و مردم عادی را در تکیه توضیح می‌دهد، تاکید می‌کند سقاها مشک‌های خود را به کناری می‌نهند و همه ساکت می‌شوند تا تزییه‌ها آغاز شود «یک دقعه صدای رب‌انگیز شیپورها در فضا می‌پسجد، نوای پیش‌در آمد، که با آلات موسیقی عجیب و غریب و بسیاری بزرگ نواخته می‌شود. آنگاه صغیر زیر سازها، صداهای دیگر درهم می‌آمیزد. ترنم این آهنگ نشانه آغاز نمایش است. صدای برطین شیپورها با لای دیوارهای تکیه تا فاصله‌های دوره بیرون رفته، و در گوشه کنار شهر طنین‌انداز می‌شود و به همه مومنان اعلام می‌کند که تزییه در شرف شروع شدن است». این بانوی ایتالیایی سپس به بازیگران تزییه و نقش‌های مذهبی آنان می‌پردازد «تزییه گردانان و بازیگران نقش‌های مذهبی همه‌مردهستند، نوجوانان و کودکان نقشش زنان را ایفا می‌کنند. بعضی از آنها دارای هنر خاصی نیز هستند و بعضی دیگر تنها آواز بسیار خوشی دارند و مرتباً از تکیه‌ها به تکیه‌دیگر می‌روند. علاوه بر بازیگران حرفه‌ای که نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند، کسانی هم هستند که حق‌الزحمه‌ای دریافت نمی‌کنند ولی ظاهر شدن در تکیه از نظر آنان شرکت در یک امر خیر است. اینها در واقع نقش‌ساهی لشکر را دارند و تعداد زیادی از کودکان را خوب لباس پوشانیده و در نقش فرشتگان یا پسران و دختران امام، از وجودشان در صحنه استفاده می‌کنند. از نظر پدر و مادرها باغی چنین نقشی است که لطف و رحمت «الله» را شامل حال آنان گرداند.»

کارلسرازا سرسراجم یافته‌های پرس‌وجوهایش را درباره زندگی و چگونگی شهادت امام حسین (ع) عرضه کرده و در پایان تاریخچه‌ای کوتاه‌از این قیام‌بیان می‌دارد.
**« همه مطالب درون گیومه از «آدم‌ها و آئین‌ها در ایران» نوشته‌مادام کارلسرازا آورده شده‌است.**

کلنل انگلیسی، از ماموریت خود در ایران عصر قاجار چه روایت کرده‌است

**گشتی در انبار غله ایران**

کلنل چارلز ادوارد بیت، یکی از سیاستمداران انگلیسی در تاریخ معاصر به شمار می‌آید که البته زندگی‌نامه‌ای مفصل از او در دست نیست. قدرت‌الله روشنی، مترجم کتاب او، «سفرنامه خراسان و سیستان» نیز به بیان زندگی‌نامه‌ی چندخطی از وی بسط کرده است. او، از آنجا که می‌دانیم در سال ۱۸۸۴ میلادی برابر با ۱۲۷۷ خورشیدی در انگلیس زاده شده است. پدرش کشیش بود و در زمره‌اعضای فوج ۴۴ پادشاهی انگلستان در آمده بود. ادوارد بیت که بیش تر در هند به ویژه بخش شمال غربی آن خدمت می‌کرد، در میانه سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۴ میلادی برابر با ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۲ خورشیدی مقتش حکومت و کمیسیونر اصلی بلوچستان بود.او در سال ۱۹۰۱ میلادی به درجه سرهنگی رسید و جزو کارگزاران هندوستان شد. کلنل انگلیسی که در سال ۱۸۹۲ میلادی برابر با ۱۲۷۱ خورشیدی کفالت کنسول بریتانیا در مشهد برعهده گرفت و سه سال بعد به مدت یک سال سر کنسول مشهد شد. او به زبان‌های فارسی و ترکی آشنا بود و همین مساله امکان آشنایی او را تبتاب مستقیم با مردم ایران را برای او فراهم آورد. نویسنده کتاب، به روایت مترجم، سفر خود را که جنبه سیاسی داشته است برای تعیین مرزهای میان افغانستان و روسیه آغاز می‌کند. ادوارد بیت، خود نیز در متن کتاب به این هدف اشاره کرده است. او به این دلیل به کنسولی بریتانیا در مشهد برگزیده شد که شناخت مرزهای ایران برای برسی دولت انگلیس، اهمیت استراتژیک داشت. این کار گزار سیاسی به علت آشنایی با زبان‌های فارسی و ترکی مشکلی برای شناخت مردم‌نداشته است. او سر تاسر مرزهای ایران و روسیه را می‌پیماید و فزون ایران سفر می‌کند. ادوارد بیت از

**همسر وزیر مختار انگلیس در دوره قاجار از یک نمایش منسوخ سوگواری پرده‌برمی‌دارد**
**نمایش ایلیچی فرنگ**

نیود که بتوانم طاقت تماشا ی آن برنامه‌ها را داشته باشم و تنها به مشاهده چند برنامه آن اکتفا نمودم.» او از برنامه‌ای با نام ایلیچی فرنگ نام می‌برد «یکی از برنامه‌های این سه روز، نمایش «ایلیچی فرنگ» است که به عنوان سفر خیالی یکی از کشورهای اروپایی (محتملاً یونان) در بارگاه بزرید، به هنگامی که سربریده امام حسین (ع) را به بارگاهش می‌برند، حضور داشته و با دیدن این منظره نسبت به این کشتار وحشیانه اعتراض می‌کند و سرانجام در اثر همین بی‌ملائی، به افتخار شهادت نائل می‌گردد. معمولاً اشتیاق فراوانی وجود دارد که مدل لباس این سفیر حتماً به صورت اروپایی باشد و بالاتر از همه کج‌کلاه برداری هم به سر نهاده باشد. چند سال پیش نیز نمایندگانی به‌سراغ شوهرم آمدند تا لباس و کلاه او را برای استفاده «ایلیچی فرنگ» قرض کنند». این بانوی انگلیسی در دوره قاجار تصریح می‌کند از اجرای آیین تزییه و شنیدن مصیبت‌های رفته بر امام حسین (ع) و یارانش به شدت متأثر می‌شده‌است «حضور در چنین مجلسی که چندین هزار نفر در ماتم و اندوه عمیقی فرو رفته‌اند برای من بسیار غریب بود. چون اصولاً ایرانی‌ها در گریه و زاری خصوصیات ویژه‌ای دارند. موقعی که یکی از آنها شروع به گریه کرد بقیه هم به او تاسی می‌کنند و ناگهان همه را گریه فرامی‌گیرد. گاهی از اوقات من هم حس می‌کردم بر اثر شنیدن این همه آه و ناله، اشک من آماده سرراز بر شدن است و با زن‌های ایرانی اطراف خودم در عزاداری شرکت می‌کردم، که البته این موضوع باعث خوشایند آنها می‌شد ولی باید اذعان نمایم که بعضی از قسمت‌های این برنامه آنقدر عمیق و پراحساس اجرا می‌گردید که فوق‌العاده‌مانند کنتر بود.»



عزاداری در سیزدهم تیر ماه - عمکس، آرمونیوآرشیوهای تاریخ در عصر قاجار

**روایت فردریک ریچار دز از سوگواری دارالمومنان ایران در عصر پهلوی اول**

**نخل‌های عزادار یزد**

فردریک چارلز ریچار دز سیاح انگلیسی بود که پس از شنیدن توصیف‌های سرپرسی لورن از ایران به ویژه درباره اصفهان، شیراز و یزد، سفر خود را از سمت ایران آغاز کرد. او که در دوران پهلوی اول به ایران آمد، طرحی جدیدست بود، از این‌رو توانست حدود ۴۸۰ تلبوتی زیبا از شهرها و مناظر گوناگون ایران بکشد. اشتیاق وی برای دیدن سرسراز ایران، از آنچه برمی‌آمد که دربراه ایران و زیبایی‌های آن شنیده بود. این جهانگرد هم‌زمان با ماه محرم در یزد اقامت داشته است، به همین دلیل درباره شیوه برگزاری عزاداری مردم این شهر روایتی جذاب ارایه می‌دهد «حساسات مذهبی در شهر یزد خیلی جدی‌تر از اغلب شهرهای ایران است. قبل از ماه محرم مجالس وعظ و روضه‌خوانی در بازارها برپا می‌شود. در یزد مراسم ماه محرم با چنان شور و حرارتی برگزار می‌شود که بعضی اوقات به یک اضطراب و التهاب مذهبی مبدل می‌گردد. در میدان، که مقابل مدخل اصلی بازار واقع شده، چوبسبت‌بزرگی تعبیه شده که نماینده نخل نوحه تابوتی است به نان «نخل» و هر سال آن را شال آیینه می‌پوشانند. این دستگاه عجیب و غریب به وسیله صداهان مرد، دور میدان حمل می‌شود. این مردان در زیر نخل اجتماع می‌کنند تا نواب حرکت دادن آن نصیبشان شود. این دستگاه با چوب‌سبت‌از قطعات عظیم چوب که وزن آنها نیز خیلی زیاد است ساخته شده و به قدری بزرگ است که نمی‌توان آن را از میدان خارج کرد ی‌ساز در اصلی بازار، که به کوچه‌منتهی می‌گردد، داخل کرد.» ریچار دز سپس دوره قاجار کتاب بسیار ارزشمند است، وی از مراسم غله ایران بوده است، اهمیت فراوان دارد. سفرنامه بیت، همچنین از جنبه زندگی اجتماعی مردم در دوره قاجار کتاب بسیار ارزشمند است، وی از مراسم جشن‌های نوروزی، عید قربان، دید و بازدید و سرانجام شیوه زندگی مردم در شهرها و روستاها سخن گفته است. سفرنامه وی از این نظر می‌تواند اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی فراوان از ایران یک صد سال پیش ارایه کند. ادوارد بیت پس از دیدن شهرهای قاین و بیرجند به سمت سیستان ره می‌سپارد و از سمت رودخانه هلمون به این شهر وارد شده و درباره زندگی مردم، بازار شهر، ماهی‌گیران، کنساوران، دهقانان و میزان درآمد سالانه آن مطالبی ارزشمند می‌نگارد. او درباره بازار سیستان می‌نویسد «بازار سیستان مرکز و تماماً خالی بود و در آن فقط مقداری قند و نوریاب چند دست لباس کهنه انگلیسی و دو کیسه شمع بلژیکی به چشم می‌خورد.» هفته آینده به همراه ادوارد بیت به سیستان؛ انبار غله ایران سفر خواهیم کرد.



عزاداران زین‌زادین در مشهد